درمکتب امام

آنچه نمی‌گذارد خودکفا باشیم

آنچه که ما را نمی گذارد به اینکه در هر قشری که داریم خودکفا باشیم، بستگی، وابستگی است که ما به آنها[غرب] داریم. وقتی بنا شد که قبله یک ملتی غرب شد، رو به آنجا می‌ایستد و حرف می‌زند. آتاتورک [...] آن وقت که در ترکیه بودم، من مجسمه‌اش را دیدم که مجسمه‌اش این بود، دستش را اینطور دراز کرده بود. گفتند آنهایی که آنجا بودند، که دستش را طرف غرب دراز کرده است و می گوید که همه چیز از آنجا باید باشد.

صحیفه امام؛ ج۱۲؛ ص۱۹ | قم؛ ۱۴ دی ۱۳۵۸

سالگرد برقراری دولت نظامی و آخرین سخنرانی شاه

این‌گونه شاه به فساد و جنایات رژیمش اعتراف کرد

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

«... من نیز پیام انقلاب شما را شنیدم... انقلاب ملت ایران نمی‌تواند مورد تایید من به عنوان یک فرد ایرانی نباشد...»

این معروف‌ترین جمله آخرین سخنرانی محمدرضا پهلوی است که در شامگاه ۱۵ آبان ۱۳۵۷ از رادیو و تلویزیون پخش گردید. حقارت و استیصال شاه در آن سخنرانی بسیار مشهود بود و در مقابل حرکت توفنده و دریای خروشان ملت، دیگر راه‌گریزی برایش نمانده بود. او اعتراف کرد که صدای انقلاب مردم ایران را شنیده، اما بسیاری از تفاله‌های رژیم او و همپالگی‌های داخلی و خارجی‌شان بعد از گذشت ۴۷ سال هنوز صدا و پیام انقلاب اسلامی را نشنیده و درک نکرده‌اند!

پس از کشتار وحشیانه دانش‌آموزان و دانشجویان در ۱۳ آبان در پشت دربهای دانشگاه تهران، نمایش خشم مردم در روز ۱۴ آبان شاه و اربابانش را به‌دشت به هراس انداخت تا دریابند همه حکومت نظامی‌هایی که به مدت دو ماه در سراسر ایران برقرار کردند و ترفندهای ریسیده و پوسیده‌ای مانند دولت شریف امامی دیگر به کار نیامده و حالا برای سرکوب نهائی بایستی به دولت نظامی متوسل شوند.

اما پیش از اعلام تشکیل دولت نظامی در ۱۵ آبان ۱۳۵۷، شاه در مقابل دوربین تلویزیون ظاهر شد و با چهره و بیانی که مثل همیشه نبود، برخلاف همه ۳۷ سال قبلش، دیگر نشانی از تبختر و تکبر و کلمه‌هایی که همواره به کار می‌برد، نداشت. او برای نخستین بار به جای «ما» از واژه «من» استفاده کرد و برای اولین بار به فساد و ظلم رژیمش اعتراف کرد. آنچه که امروز بقایا و پس‌مانده‌هایش به دستور همان اربابان آمریکایی و به کمک رسانه‌های زنجیره‌ای خود، همچنان تطهیر کرده، دوران طلایی جلوه داده و با سوءاستفاده از حافظه ضعیف تاریخی برخی و سانسور و تحریف، آن رژیم را به عنوان نظام ایده آل قالب می‌کنند!

شاه اعتراف کرد که خائن است

شاه به طور علنی و رسمی در مقابل چشم‌های میلیون‌ها بیننده تلویزیون دولتی خودش، انقلاب مردم ایران را تایید کرد و صراحتا اذعان نمود که ملت ایران علیه ظلم و فساد رژیمش به پاخاسته است و ادامه داد:

«... من آگاهم که به نام جلوگیری از آشوب و هرج و مرج این امکان وجود دارد که اشتباهات گذشته و فشار اختناق تکرار شود...»

این شاید تاریخی‌ترین اعتراف رئیس یک رژیم درباره مخالفان و معارضانش باشد در شرایطی که هنوز حاکم است و تازه قرار است که دولت نظامی برقرار نموده و ارتشش را برای سرکوب بیشتر مردم، به میدان بفرستد.

او به عنوان بالاترین و اصلی‌ترین فرد حکومت پهلوی، صریحا گفت که فشار اختناق در رژیمش وجود داشته و امکان تکرار آن نیز وجود دارد. همان موضوعی که حضرت امام در پیامشان و در همان روزها تاکید کردند که اگر محمدرضا فرصت پیدا کند، مجددا همان استبداد و اختناق مهیب ۲۵ سال قبل را برقرار خواهد ساخت و از همین روی از مردم ایران خواستند به آن ریشه شجره خبیثه را که از خاک بیرون آمده است، فرصت ندهند و فرمودند:

«... جمع شوید و همت کنید و برای همیشه این ریشه را از خاک میهن اسلامی به دور اندازید...»

شاه و اربابان شاه فقط فرصت می‌خواستند تا بتوانند در برابر طوفان ملت که هر زمان اوضاع آنها را بیشتر به هم می‌ریخت، خود را پیدا کرده و ترفند و حیله و نیرنگ دیگری برای بقای خویش سوار کنند، اما این حضرت امام خمینی بودند که به سان یک رهبر حکیم، هر آن به مردم هشدار و انذار می‌دادند که درنگ نکنند و به محمدرضا و اربابانش مهلت ندهند. از جمله در پیامی به ملت ایران در تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۵۷ یعنی یک روز بعد از اعترافات شاه فرمودند:

«... ملت ایران باید بداند که این نطق‌های فریبنده برای اغفال مردم و فرونشاندن آتش خشم ملت است، تا تثبیت مقام کرده و قدرت را بازیابد؛ و خدا می‌داند که اسلام و روحانیت و عموم ملت پس از آن با چه مصیبت‌های دردناکی مواجه خواهد شد. عزیزان من!... از این نرمش‌های شیطانی و توبه‌نامه‌های ابلیسی فریب نخورید، که نمی‌خورید. شاه در اول سلطنت غاصبانهٔ خود سوگند خورد که به اسلام وفادار باشد و به ملت خیانت نکند و اکنون اعتراف می‌کند که خائن است و اسلام و ایران را به تباهی کشانده است و تمام خیانت‌ها عمدی بوده است که امروز اسم «اشتباه» بر آن می‌گذارد. غفلت نکنید که این اشتباهات عمدی تکرار خواهد شد و کشور را به نیستی و ملت را به تباهی خواهد کشاند...»

اذعان شاه به فساد مالی و سیاسی

شاه در بخشی دیگر از آخرین سخنرانی‌اش گفت:

«... من آگاهم با ایجاد فشار این خطر وجود دارد که سازش نامقدس فساد مالی و فساد سیاسی تکرار شود...»

در این جملات نیز محمدرضا صریحا اعتراف کرد در رژیم ۳۷ ساله‌اش، فساد مالی و فساد سیاسی وجود داشته، این دو فساد با یکدیگر پیوند نامیمونی هم برقرار کرده بودند و در صورت تداوم رژیم شاه، خطر تکرار آن سازش فساد مالی و سیاسی وجود خواهد داشت.

یعنی شاه به روشنی و وضوح، هم به فساد و ظلمی که به دستور آمریکایی‌ها، بیش از ۳۷ سال به مردم ایران تحمیل کرده بود، اعتراف کرد، هم به فشار اختناق و هم به درهم آمیختگی فساد مالی و فساد سیاسی.

حضرت امام در ۲۴ آبان ۱۳۵۷ و در جمع دانشجویان و ایرانیان خارج کشور درباره این اعترافات شاه فرمودند:

«... (شاه) نمی‌تواند انکارکند که فساد درکار بوده و این قدر هم قضیه شور بوده است که خودِ خان هم فهمیده، برای این که چند روز پیش از این پشت رادیو دیدید که اقرار کرد به همهٔ «اشتباهات»، منتها اسمش را «اشتباهات» گذاشت، لکن اقرار به این کرد که تا حالا هرچه شده است کارهای خلاف [بوده] و از این به بعد نمی‌شود... حالا گاهی وقت‌ها یک کاسه‌هایی که از آش داغ‌تر هم هست، داریم ممکن است که در بین مردم که به حَسَبِ فکرْ عقب افتاده‌اند یا اینکه خیر، طمع دارند و باز میل دارند که شاه باشد و آمریکایی‌ها باشند، اینها باز شاه را بخواهند تنزیه‌اش کنند یا بگویند چه است، ممکن است باشد- ولی خود ایشان هم تصدیق کرد به اینکه در این مدت اشتباهات بوده است و ما هم عرض کردیم که قضیهٔ «اشتباهات» نبوده و تعمدها بوده است!...»

و نه فقط در آن زمان، بلکه تفاله‌های شاه و رژیمش و رسانه‌های وابسته به کانون‌های استعماری حتی بدون توجه به همین اعترافات صریح محمدرضا، هنوز سعی دارند با تبلیغات سوء و پروپاگاندا، دوران حاکمیت خاندان پهلوی را خصوصا برای نسل امروز، دورانی رؤیایی و افسانه‌ای تصویر کنند و این سخنان صریح شاه و دیگر همپالگی‌های رژیمش را سانسور نمایند. در حالی که این سخنان و حرف‌های دیگر عوامل رژیم پهلوی محکم‌ترین و مستندترین شواهد مکتوب و شفاهی برای منابع یک قضاوت مستدل و منطقی درباره آن دوران به شمار می‌آیند.

آنچه مسلم است، یاوه‌گویی‌ها و لاطائلات رسانه‌های زنجیره‌ای که امروز با هر دوز و کلکی سعی در تطهیر چهره رژیم گذشته داشته و انقلاب عظیم ملت ایران را با کلمات و عباراتی همچون «شورش» و «بلوا» و.... نام می‌برند، به هیچ وجه حتی با سخنان شاهی که داعیه‌دار میراثش هستند، نمی‌خواند.

سندی انکارناپذیر درباره اصالت سخنرانی شاه

در سال‌های بعد گفته شد که این سخنرانی توسط فرح و اعوان و انصارش به شاه تحمیل شده و گویا محمدرضا به هیچ وجه از آن سخنرانی راضی نبوده است! اما سند مهم و غیرقابل انکاری وجود دارد که نشان می‌دهد شاه پس از نطق یاد شده، از آن کاملا راضی بوده و این رضایت خود را ابراز نموده و اصرار داشته که بر اساس محتوای آن نطق، در میان اقشار مختلف آرامش و تأمل و سکون تبلیغ شود.

شاه پس از آن سخنرانی، با علی امینی (از دوستان و نخست‌وزیران سابق خود در اوایل دهه ۴۰) تماس گرفت تا بازتاب آن را در محافل سیاسی ارزیابی نماید و در یک مکالمه ۴-۵ دقیقه‌ای با علی امینی، ضمن ابراز رضایت از سخنرانی یاد شده، همان مسائل مربوط به فساد و ظلم که در طی نطقش، مورد اشاره و تأکید قرار داده بود را مجدداً بازگو کرده و مورد تایید قرار داد. بخشی از آن مکالمه به نقل از فایل صوتی یاد شده به شرح زیر است:

« شاه: بله شنیدم که (نطق تلویزیونی ۱۵ آبان ۵۷) خیلی تأثیر خوبی کرده، اون‌هایی که شنیده‌اند می‌گفتند.

علی امینی: حتما مؤثر است

شاه: در هر صورت ما [در سخنرانی خطاب به مردم] راجع به گذشته هم صحبت کردیم، خبط و خطا و فساد و ظلم، همه‌چیز.

امینی: خب، اینا خیلی مؤثره قربان

شاه: گفتیم دیگر تکرار نخواهد شد و این حکومت [دولت نظامی] هم البته قبلاً گفتیم فقط موقتی است... (این دولت در مجلس) می‌گوید من برنامه‌ای ندارم غیر از برقراری نظم و مبارزه با فساد همین، چون وقت نیست.»

عوامل شاه هم به فساد و ظلم اعتراف کردند

اعتراف به فساد گسترده در رژیم پهلوی به خود شاه محدود نشد و حتی سرسپرده‌ترین عناصر آن رژیم که سال‌ها از توبره گشادش خورده و بالا کشیده بودند هم بعدا به آن معترف شدند. شاید بتوان اعتراف «احسان یارشاطر» (بهائی معروف و از مزدوران به اصطلاح فرهنگی شاه) به فساد عظیمی که در رژیم شاه وجود داشت را مثال زد، آنچنان که در نامه‌اش به مسئولین پس از انقلاب «بنگاه ترجمه و نشر کتاب» نوشت. در آن نامه «یار شاطر» دامنه فساد در حکومت پهلوی را آنچنان وسیع و گسترده دانست که حتی حکم معروف «اصل برائت است، مگر خلافش ثابت شود» را زیر علامت سؤال برده و تأکید کرد که در آن رژیم در واقع «اصل بر فساد بوده مگر خلافش ثابت شود»! و به همین دلیل اذعان داشته کمتر کسی از این فساد در امان بوده است.

دولت، وفاق را از خود آغاز کند

اختلافات در دولت، مانع خدمت به ملت است

سرویس سیاسی-

هیچ کس منکر مشکلات موجود نیست، اما در چنین شرایط حساس و حیاتی که باید شیرازه اتحاد مقدس را حفظ کنیم، برخی خودزنی‌ها، بی‌عملی‌ها و ناهماهنگی‌ها توان اجرائی دولت را فرسایش داده است. این وضعیت قابل اصلاح و ترمیم است اما نه با لقلقه شعار «وفاق» بر زبان بلکه با ایمان به ظرفیت‌های داخلی و اقدام و عمل انقلابی و مؤثر برای بهره‌گیری از آن.

دولت چهاردهم، با شعار «وفاق ملی» و تأکید بر ورود «کارشناسان» به عرصه، از نخستین روزهای تشکیل خود عزم داشت تا اختلافات سیاسی را پشت سر بگذارد و همه ظرفیت‌های کشور را برای حل مسائل بسیج کند. اما به‌رغم تلاش‌ها، گذشت زمان نشان داد دولت چهاردهم حتی در ایجاد «وفاق» میان کابینه خود نیز چندان توانا نیست.

پاسکاری جنجالی در قلب اقتصاد

در قلب این بحران، اختلافات جدی میان اعضای ارشد اقتصادی دولت کاملاً مشهود است. به عنوان نمونه، چندی پیش سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر اقتصاد، به صراحت اعلام کرده که مسئولیتی در قبال سیاست‌های ارزی ندارد و پاسخگوی نرخ دلار و تورم نیست! وی با استناد به قانون، تأکید کرده که سیاست‌های پولی و ارزی کاملاً در اختیار بانک مرکزی است و وزارت اقتصاد دست بازی در این زمینه ندارد.

از سوی دیگر، محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی، اصرار دارد که نرخ ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومان و نظام چندنرخی کنونی باید حفظ شود و تک‌نرخی شدن ارز در شرایط فعلی غیرممکن است. این کشمکش در تیم اقتصادی چنان جدی است که نه فقط در جلسات پنهانی، بلکه به‌صورت علنی و رسانه‌ای توسط هر دو طرف پیگیری می‌شود. نتیجه این نزاع، آشفتگی در بازار ارز، نااطمینانی سرمایه‌گذاران، التهاب تورم و زیان مستقیم به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است.

جنگ رسانه‌ای دولت علیه دولت

آنچه امروز در عملکرد بخش کشاورزی مشاهده می‌شود، بیش از هر چیز یادآور سردرگمی در تصمیم‌سازی و ناهماهنگی در اجراست. افزایش قیمت کالاهای اساسی در ماه‌های اخیر - از گوشت و مرغ گرفته تا حبوبات و برنج - عملاً نشان می‌دهد که وزارت جهاد کشاورزی در مدیریت زنجیره تأمین دچار اختلال ساختاری است. آمارهای رسمی مرکز آمار نیز مؤید آن است که نرخ تورم خوراکی‌ها در یک‌سال اخیر سهم قابل توجهی در رشد هزینه‌های خانوار داشته است. این ناکارآمدی حتی در رسانه‌های رسمی و وابسته به دولت نیز انعکاسی آشکار پیدا کرده است.

خبرگزاری دولتی ایرنا پیش از این در مطلبی نوشت: «بازارگاه، عامل گرانی گوشت مرغ/ دست تولیدکننده به نهاده نمی‌رسد.» این رسانه دولتی تأکید کرد که سامانه بازارگاه به جای تسهیل توزیع نهاده‌ها، بستری برای مشکلاتی چون توزیع قطره‌چکانی و ورود دلالان غیرقانونی شده است. مدیرعامل اتحادیه مرغداران در گفت‌وگو با ایرنا اعلام کرد که تنها ۲۰ تا ۳۰ درصد نیاز مرغداران از بازارگاه تأمین می‌شود و بقیه نهاده‌ها به قیمت‌های بالاتر از بازار آزاد خریداری می‌شود.

این انتقاد تند خبرگزاری دولت از یکی از اعضای کابینه دولت، نشان‌دهنده نبود هماهنگی در عملکرد درون دولت است. رسانه‌های زنجیره‌ای مدعی اصلاحات نیز با اذعان به ناکارآمدی وزارت کشاورزی، خواستار اصلاحات اساسی شده‌اند. برای نمونه وقتی وزیر جهاد در پاسخ به سؤال خبرنگار مبنی بر «مرغ گران شد؟» گفت: «قیمت مرغ اصلاح شد.»

کانال تلگرامی اصلاحات نیوز وابسته به یکی از اعضای بدنام شورای اطلاع‌رسانی دولت این پاسخ را دست‌مایه تمسخر قرار داد. این وضعیت، بازتابی از چالش‌های هماهنگی میان تیم‌های مختلف دولت است؛ جایی که رسانه‌های رسمی وابسته به دولت نیز در برخی موارد نه‌تنها همسو نیستند، بلکه نظرات متضاد و متفاوتی ارائه می‌دهند. این تفاوت دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که دولت با وجود شعار «وفاق»، هنوز فاصله زیادی تا وفاق دارد.

دوئل در سیاست خارجی

در حوزه سیاست خارجی نیز، وضعیتی رخ داده که معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور و معاون راهبردی معزول رئیس‌جمهور، به‌شدت از عملکرد دستگاه دیپلماسی انتقاد می‌کنند؛ اما جالب اینکه هر دو از درون همان تیم دیپلماسی برخاسته‌اند و حالا گویی از درون خانه به ساکنان خانه سنگ می‌زنند. چندی پیش مهدی سنایی، معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور، در نشست مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا سؤالاتی مطرح کرد که تلویحا نشان می‌داد دستگاه سیاست خارجه را نشانه گرفته؛ «پرسش امروز مردم و نخبگان این است که برنامه آینده کشور چیست؟ آیا قرار است تا پایان دولت کنونی آمریکا صبر کنیم، یا در قالبی تازه و با زبانی متفاوت وارد گفت‌وگو شویم؟»

او صریحاً اعلام کرد که «دست‌فرمان سیاست خارجی بعد از جنگ ۱۲ روزه و بازگشت تحریم‌ها گم شده» و «برنامه‌ای روشن و منسجم برای مدیریت بحران‌های پیچیده‌ای چون مکانیسم ماشه وجود ندارد.» این اظهارات از زبان یکی از نزدیکان دولت، هم آینه عبرتی برای دولتمردان است و هم نشان می‌دهد وضعیت سیاست خارجی دولت بیشتر از نظم و انسجام، در باتلاق سردرگمی گرفتار شده است؛ یا آقای سنایی فراموش کرده که معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور است و در دولت چهاردهم خدمت می‌کند و یا مشخص نیست در اتاق فرمان دولت چهاردهم چه می‌گذرد؟ دقیقا چه کسی وزیر خارجه است و مسئولیت سیاست خارجی را برعهده دارد و حوزه اختیارات آقای سنایی تا کجاست!

همزمان، محمدجواد ظریف، معاون راهبردی معزول رئیس‌جمهور که علی‌رغم برکناری ظاهرا همچنان عقل منفصل دولت به حساب می‌آید در کنار سنایی به نقد تلویحی تیم دیپلماسی دولت می‌پردازد. این وضعیت، نمادی آشکار از تناقض است؛ کسانی که از کارگزاران سیاست خارجی دولت به حساب می‌آیند، همزمان به دیگر بخش‌های سیاست خارجی دولت نه در جلسات خصوصی و کارشناسی که پیش چشم مردم حمله و انتقاد می‌کنند. این اوضاع باعث شده حتی شایعه بازگشت سنایی به سمت سفیر ایران در روسیه مطرح شود؛ موضوعی که در صورت صحت، پرسش‌های جدی درباره سازوکارهای تصمیم‌گیری و مدیریت سیاست خارجی دولت ایجاد می‌کند؛ زیرا سابقه عملکرد وی در آن سمت ناموفق بوده و بعید است بتواند گره‌ای از مشکلات فعلی باز کند.

ناترازی انرژی و بی‌مسئولیتی وزرا روی اعصاب مردم

اما ماجرا ادامه دارد؛ ناترازی انرژی و خاموشی‌های تابستان، علاوه بر به‌ستوه آوردن مردم و تولیدکنندگان، سوءمدیریت آشکار دو وزارتخانه حیاتی کشور را نیز عیان کرد. هر دو وزارتخانه، به جای پذیرش مسئولیت و ارائه راهکار، یکدیگر را متهم می‌کردند؛ وزارت نیرو با فرافکنی کمبود گاز را عامل خاموشی‌ها جلوه داد و در مقابل وزارت نفت مدعی شد تولید و تحویل سوخت به تمام بخش‌های صنعتی و خانگی و... نه‌تنها بی‌هیچ کم و کاستی انجام شده بلکه بیشتر هم شده است و با این موضع عملا مقصر خاموشی‌ها را وزارت نیرو عنوان کرد.

وزارت نیرو در بیانیه‌ای رسمی، علیه وزارت نفت(زمستان۱۴۰۳) اعلام کرد: «آمارها نشان می‌دهد وزارت نفت در تخصیص گاز و سوخت کافی برای نیروگاه‌ها تعلل و کوتاهی کرده و مقصر اصلی بروز خاموشی‌ها و بحران‌های اجتماعی و سیاسی ناشی از آن بوده است. اما متأسفانه حاضر نیست مسئولیت خودش را بپذیرد و مثل سنوات گذشته توپ را به زمین وزارت نیرو انداخته و باعث شده وزارت نیرو مقصر جلوه داده شود، در حالی که وزارت نیرو واقعاً مقصر نیست.»

پزشکیان نیز با کنایه وضعیت را چنین تشریح کرد: «یکی می‌گوید او نمی‌دهد و دیگری می‌گوید ذخیره نمی‌فرستد؛ امکان فرستادن ذخیره اصلاً نیست. اگر بنشینیم با هم دعوا کنیم، زمین سفت است و نمی‌توانیم شخم بزنیم؛ به هم دیگر کله می‌زنیم و می‌گوییم تو چرا نمی‌کشی.» این سخنان نماد خود درگیری و ناکارآمدی مدیریتی است که عملاً سیاست‌گذاری انرژی کشور را با بحران مواجه کرده است و از طرفی حکایت اسکی رفتن روی اعصاب و روان مردم در شرایط سخت معیشتی و ناترازی انرژی است.

ناکامی دولت در ایجاد وفاق در کابینه

بنابراین، وقتی حتی رسانه‌های وابسته به دولت علیه وزیران دولت عملیات رسانه‌ای می‌کنند، اختلافات کابینه علنی و آشکار شده، وزرای اقتصادی درگیر پاسکاری مسئولیت‌ها با یکدیگر هستند، چهره‌های دیپلماتیک دولت در منازعات داخلی گرفتار آمده‌اند، یعنی دولت در ایجاد وفاق در میان اعضای خود نیز ناکام بوده است.

هیچ کس منکر مشکلات موجود نیست، اما در چنین شرایط حساس و حیاتی که باید شیرازه اتحاد مقدس را حفظ کنیم، برخی خودزنی‌ها، بی‌عملی‌ها و ناهماهنگی‌ها توان اجرائی دولت را فرسایش داده است. این وضعیت قابل اصلاح و ترمیم است اما نه با لقلقه شعار «وفاق» و «وحدت» بر زبان بلکه با ایمان به ظرفیت‌های داخلی و اقدام و عمل انقلابی و مؤثر برای بهره‌گیری از آن.

قالیباف در بدو ورود به اسلام آباد مطرح کرد

پیگیری و تکمیل توافقات گذشته ایران و پاکستان در دستور کار سفر هیئت پارلمانی ایران

رئیس مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اهمیت گسترش روابط اقتصادی میان ایران و پاکستان گفت: با توجه به شرایط ناشی از تحریم‌های ظالمانه آمریکا، تقویت مبادلات اقتصادی و تجاری با کشورهای همسایه از جمله پاکستان از اولویت‌های اساسی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

محمدباقر قالیباف، رئیس‌مجلس شورای اسلامی، ظهر روز چهارشنبه (۱۴ آبان‌ماه ۱۴۰۴) پیش از عزیمت به کشور پاکستان با اشاره به اهداف سفر خود به این کشور اظهار داشت: بنا به دعوت «ایاز صادق»، رئیس‌مجلس نمایندگان پاکستان به کشور دوست و همسایه پاکستان سفر خواهیم داد. طبیعتاً یکی از کارهای مهم ما در این سفر، هماهنگی و توسعه روابط پارلمانی است. از همین جهت در این سفر جمعی از همکارانم در مجلس؛ اعضای گروه دوستی پارلمانی و نمایندگان محترم ما را همراهی می‌کنند.

رئیس‌مجلس شورای اسلامی ادامه داد: در این سفر با مقامات هر دو مجلس پاکستان، یعنی مجلس نمایندگان و مجلس سنا، دیدار خواهیم داشت. جناب آقای یوسف رضا گیلانی نیز در این دیدارها حضور خواهند داشت البته ارتباط پارلمانی ما در گذشته نیز برقرار بوده و در دو دوره‌ای که در مجلس حضور داشته‌ام، ملاقات‌هایی صورت گرفته است اما این سفر نخستین سفر رسمی بنده به کشور پاکستان محسوب می‌شود.

قالیباف تصریح کرد: شرایط انجام این سفر به‌ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه و مواضع بسیار شفاف روشن و محکمی که مردم پاکستان، پارلمان و دولت این کشور در حمایت از جمهوری اسلامی در همه ابعاد اتخاذ کردند، جای تقدیر و تشکر دارد.

سفر به پاکستان، فرصت مناسبی برای توسعه روابط اقتصادی

وی همچنین اذعان داشت: امروز نیز با توجه به شرایط پس از جنگ ۱۲ روزه، وضعیت منطقه و کشورهای اسلامی، به‌ویژه کشورهای همسایه از جمله ایران و پاکستان، بسیار حائز اهمیت است. ایران و پاکستان در جهان اسلام و در منطقه از تأثیرگذاری بالایی برخوردارند و از نظر جغرافیایی نیز در حوزه آسیای میانه، خاورمیانه و شبه‌قاره موقعیت ویژه‌ای دارند. روابط میان ایران و پاکستان نیز بسیار بی‌نظیر است.

رئیس‌مجلس شورای اسلامی افزود: در این سفر، ملاقات‌هایی با مقامات دولت پاکستان، نخست‌وزیر و سایر مسئولان دولتی خواهیم داشت. عمده تمرکز ما در این دیدارها بر مباحث اقتصادی است. این سفر فرصت بسیار مناسبی برای توسعه روابط اقتصادی، به‌ویژه پیگیری و تحقق توافقات انجام‌شده در آخرین سفر ریاست محترم‌جمهور است که اهمیت و ضرورت زیادی دارد. وی ادامه داد: همکاری‌های بسیار خوبی در بخش‌های مختلف اقتصادی، به‌ویژه در حوزه بازارچه‌های مرزی، می‌تواند با توجه به شرایط ناشی از تحریم‌های ظالمانه آمریکا صورت گیرد. همچنین تقویت پیوندهای فرهنگی میان ایران و پاکستان بسیار مؤثر است.

قالیباف با اشاره به مسائل سیاسی و امنیتی در زمینه موضوعات مرزی و مسائل منطقه‌ای، تاکید کرد: متأسفانه امروز منطقه ما به‌دلیل دخالت قدرت‌های خارج از منطقه، به‌ویژه آمریکا، با تنش‌های فراوانی مواجه است که بر همه کشورهای منطقه تأثیرگذار بوده است. در این بخش، نیاز به همکاری، هماهنگی و هم‌فکری بیشتر با کشور پاکستان داریم.

تجاوزات رژیم صهیونیستی دغدغه اصلی کشورهای منطقه و جهان اسلام است

رئیس قوه مقننه گفت: مسائل امنیتی و سیاسی از موضوعات مهمی است که باید مورد توجه دو کشور قرار گیرد و تاکنون نیز در دستور کار هر دو طرف بوده است. یکی از موضوعات مهمی که کشورهای اسلامی باید به آن توجه کنند، مسئله رژیم صهیونیستی است.

رئیس‌مجلس شورای اسلامی افزود: رژیم صهیونیستی به‌طور مداوم تجاوزات آشکار و علنی علیه کشورهای اسلامی انجام می‌دهد و شواهد نشان می‌دهد که دست از تجاوزهای خود برنداشته است. اجرای این سیاست‌ها با حمایت آمریکا دنبال می‌شود و از موضوعات مهم و دغدغه‌های اصلی کشورهای منطقه و جهان اسلام است. قالیباف همچنین بیان داشت: همکاری‌های منطقه‌ای و پیمان‌های مشترک میان ایران و پاکستان نیز داریم که بسیار مؤثر است. امیدوارم این سفر بتواند در ابعاد سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر باشد.

روابط دوجانبه با پاکستان نیازمند تعامل مستمر است

رئیس‌مجلس و هیئت همراه در بدو ورود به اسلام آباد از سوی «ایاز صادق»، رئیس‌مجلس ملی پاکستان و «رضا امیری‌مقدم» سفیر ایران در اسلام‌آباد مورد استقبال قرار گرفتند.

دیدار و گفت‌وگو با رئیس و نمایندگان مجلس ملی و مجلس سنای پاکستان و مقامات ارشد سیاسی از جمله «محمد شهباز شریف»، نخست‌وزیر پاکستان از جمله برنامه‌های رئیس‌مجلس در این سفر است.

قالیباف در جریان این سفر به لاهور و کراچی به‌عنوان مراکز فرهنگی و اقتصادی پاکستان سفرکرده و دیدارهایی با نخبگان فرهنگی و مذهبی و تجار و بازرگانان این کشور خواهد داشت.

رئیس‌مجلس شورای اسلامی در اسلام آباد ضمن اشاره به روابط دو کشور همسایه و شرایط کنونی منطقه، بر ضرورت توسعه همکاری‌های پارلمانی، تجاری و امنیتی تأکید کرد.

وی با حضور در جمع خبرنگاران تصریح کرد: با توجه به شرایط امروز منطقه و پیوندهای تاریخی و جغرافیایی، همکاری‌های مستمر میان مجالس دو کشور، از جمله مجلس ملی، مجلس سنا و گروه‌های دوستی پارلمانی، اهمیت ویژه‌ای دارد. این تعاملات بستر هماهنگی بیشتر در روابط دوجانبه و پیگیری تعهدات گذشته را فراهم می‌کند.

رئیس‌مجلس شورای اسلامی افزود: در جریان دیدارها و گفت‌وگوهای اخیر، محورهای اصلی همکاری شامل گسترش روابط اقتصادی، تقویت امنیت منطقه‌ای و هماهنگی در موضوعات کلان جهان اسلام مطرح شده است. هر دو کشور در مسیر تکمیل و تحقق توافقات پیشین گام برمی‌دارند.

وی در پایان ابراز امیدواری کرد که با تداوم نشست‌های مشترک و فعال شدن سازوکارهای اجرائی، روابط راهبردی و همکاری‌های منطقه‌ای میان دو کشور بیش از پیش تعمیق یابد.

مرگ «دیک چنی» در روز «مبارزه با استکبار» و یک طعنه تاریخی

با مرگ دیک چنی، بسیاری از تحلیلگران می‌گویند پروژه‌ای که او برای محدود کردن ایران طراحی کرده بود، به نتیجه‌ای کاملاً معکوس انجامید. حذف صدام، فروپاشی نظم خاورمیانه(غرب آسیا) و ضعف درونی آمریکا در منطقه، عملاً به افزایش قدرت ایران منجر شد.

«دیک چنی» معاون جنجالی جورج بوش پسر و یکی از چهره‌های بانفوذ نومحافظه‌کاران آمریکایی، در سن ۸۴سالگی درگذشت؛ مرگی که همزمانی آن با روز «مبارزه با استکبار جهانی» برای بسیاری در جهان، به‌ویژه در ایران، طعنه‌آمیز به نظر می‌رسد. چنی در دو دهه گذشته یکی از سرسخت‌ترین معماران سیاست‌های ضدایرانی در ساختار قدرت واشنگتن بود؛ سیاستمداری که گفتار و کردار او، ردپایی ماندگار در روابط خصمانه آمریکا با جمهوری اسلامی برجای گذاشت.

معمار جنگ و استراتژی بازدارندگی علیه ایران

چنی در دوران معاونت ریاست‌جمهوری (۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹)، نقشی کلیدی در شکل‌دهی به سیاست خارجی تهاجمی دولت بوش داشت. او از نخستین کسانی بود که معتقد بود «بازدارندگی در قبال ایران» تنها زمانی معنا دارد که تهدید نظامی واقعی پشت آن باشد. در جلسات شورای امنیت ملی، بارها از لزوم «نمایش قدرت نظامی» علیه تهران سخن گفت و تحریم‌های اقتصادی را ناکافی می‌دانست.

به روایت منابع آمریکایی، چنی معتقد بود مذاکره با ایران فقط زمانی مفید است که طرف مقابل احساس کند هزینه سرپیچی از خواسته‌های واشنگتن، برخورد نظامی خواهد بود. همین دیدگاه بود که بعدها در قالب سیاست موسوم به «فشار حداکثری» در دولت ترامپ دوباره احیا شد؛ سیاستی که به تعبیر بسیاری از ناظران، میراث مستقیم تفکر دیک چنی است.

طراح عبارت «محور شرارت»

در سال ۲۰۰۲، بوش در سخنرانی معروف خود، ایران را در کنار عراق و کره شمالی در «محور شرارت» قرار داد؛ عبارتی که گفته می‌شود با حمایت مستقیم چنی وارد متن سخنرانی شد. چنی در همان دوران بر این باور بود که جمهوری اسلامی به‌زودی به قدرتی منطقه‌ای تبدیل می‌شود که مهار آن بدون اقدام قاطع ممکن نیست.

با آغاز جنگ عراق در سال ۲۰۰۳، او امیدوار بود سقوط صدام و استقرار نیروهای آمریکایی در بغداد، ایران را در محاصره استراتژیک قرار دهد. اما واقعیت برخلاف تصور او پیش رفت؛ سقوط رژیم بعث به جای تضعیف ایران، موجب تقویت نفوذ منطقه‌ای تهران شد و همین امر، به گفته تحلیلگران آمریکایی، یکی از بزرگ‌ترین شکست‌های راهبردی چنی محسوب می‌شود.

طراح عملیات‌های پنهان

چنی نه‌تنها در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، بلکه در حوزه عملیات‌های امنیتی نیز نقش‌آفرین بود. منابع متعددی در سال‌های بعد فاش کردند که او از طراحان پروژه‌های محرمانه علیه ایران بوده است؛ از جمله توسعه ویروس سایبری استاکس‌نت که با هدف تخریب تأسیسات هسته‌ای ایران طراحی شد.

او در مصاحبه‌ای با شبکه سی‌بی‌اس سال‌ها بعد گفت: «وقتی با کشوری روبه‌رو هستید که آشکارا خواهان نابودی شماست، باید از همه ابزارها استفاده کنید، حتی اگر خوشایند نباشد.»

مخالفت سرسخت با برجام

در سال ۲۰۱۵ و همزمان با امضای توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱، دیک چنی یکی از شدیدترین مخالفان برجام بود. او این توافق را «یک اشتباه تاریخی» و «بخشی از سیاست تسلیم» توصیف کرد.

از دید او، برجام به ایران مشروعیت و فرصت می‌داد تا بعدها برنامه‌های خود را بازسازی کند.چنی در سخنرانی معروفش در اندیشکده امریکن اینترپرایز هشدار داد که «نمی‌توان فقط امیدوار بود تهدید ایران از میان برود، بلکه باید با آن مواجه شد قبل از آن‌که خطرناک‌تر شود».

او خواستار توافقی بود که شامل توقف کامل فعالیت‌های موشکی ایران، دسترسی نامحدود بازرسان و حذف هرگونه زیرساخت حساس هسته‌ای باشد؛ خواسته‌هایی که حتی متحدان اروپایی واشنگتن نیز آن را غیرواقع‌بینانه می‌دانستند.

پیوندهای اقتصادی پنهان با جریان غربگرا

با وجود مواضع تند ضدایرانی، دیک چنی در دوران فعالیت اقتصادی خود پیش از معاونت ریاست‌جمهوری، روابطی پنهان و جنجالی با برخی پروژه‌های نفتی در ایران داشت. در سال ۱۳۷۹، زمانی که مدیرعامل شرکت هالیبرتون بود، زمینه قرارداد نفتی میان شرکت اورینتال کیش و هالیبرتون فراهم شد؛ قراردادی که بعدها مشخص شد با حضور مستقیم چنی در تهران و دیدارهایی محرمانه شکل گرفته